

## قانون تجارت

۱- در موردیکه موضوع مجمع عمومی تقویم سهام غیر نقدی یا مطالبه مزایای خالص باشد حضور نصف کل عده شرکائی که خرید سهام نقدی را تهد کرده اند و نصف کل سرمایه نقدی را دارا باشند لازم است (در این مورد آن قسمت از سرمایه غیر نقدی که موضوع مذاکره و رأی است در جزو سرمایه شرکت محسوب نخواهد شد) در اینموضوع اتخاذ تصمیم با اکثریت دو نایب قطعی میشود.

در مجمع فوق الذکر اگر نصف عده تهد کنندگان سهام نقدی و نصف دارندگان سرمایه نقدی حاضر نشوند مجمع موقتی است و باید طبق مدلول ماده ۵۵ رفتار شود.

۲- در مواردی که رسیدگی به صحت و سقم اظهارات مؤسسين و انتخاب مدیرها و بازرسان شرکت موضوع اقدام مجمع عمومی است يك عده دارندگان سهامی باید حاضر شوند که لا اقل نصف سرمایه شرکت را دارا باشند.

اگر حد نصاب مزبور در اولین دفعه بعمل نیاید مجمع موقتی است و مجمع جدیدی دعوت میشود و اگر پس از آنکه لا اقل یکماه قبل از انعقاد مجمع دودفعه متوالی بفاصله هشت روز بوسیله یکی از جراید محلی تصمیمات موقتی مجمع سابق اعلان و منتشر شد و مجمع جدید آنرا تصویب نمود تصمیمات مزبور قطعی میشود مشروط بر اینکه در مجمع جدید عده حاضر شوند که لا اقل نایب سرمایه شرکت را دارا باشند.

اخذ تصمیم در مجمع عمومی مزبور با اکثریت آراء طبق ماده ۷۲ بعمل میآید.

طبق ماده ۶۰ انعقاد مجمع عمومی فوق العاده به تقاضای ارباب سهام که مجموع سهام آنها لا اقل معادل يك خمس سرمایه شرکت باشد و منظور خود را در تقاضانامه ذکر کرده باشند الزامی و اجباری است.

### حد نصاب مجامع عمومی

برای آنکه تشکیل مجامع عمومی رسمیت داشته و تصمیماتی که در مجمع مزبور اتخاذ میشود نافذ بوده و قابل ترتیب اثر قانونی باشد قانون تجارت حضور عده معینی از شرکا را که مجموع سهام آنها معادل بسا مقدار معینی از سرمایه باشد در مجامع عمومی ملاک قرار داده و حد اقلی را که قانون از حیث تعداد شرکاء و مقدار سهام آنها نسبت به سرمایه شرکت برای این منظور مقرر داشته است حد نصاب گویند.

حد نصاب مجامع عمومی نظر بسا اهمیت موضوع مختلف است ولی قاعده کلی که در ماده ۷۱ ذکر شده آن است که مجمع عمومی در صورتی قانونی شناخته خواهد شد که يك عده صاحبان سهامی که لا اقل نایب سرمایه شرکت را دارا باشند در مجمع مزبور حاضر شوند و اگر در دفعه اول این حد نصاب حاصل نشود مجمع عمومی جدید مطابق شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تشکیل و تصمیمات این مجمع قطعی خواهد بود ولو اینکه حد نصاب فوق حاصل نشود و بطور کلی طبق ماده ۷۲ تصمیمات مجامع عمومی با اکثریت آراء خواهد بود.

در موارد مفصله ذیل حد نصاب و اکثریت آرائی که قانون برای انعقاد مجامع عمومی و اخذ تصمیمات قطعی تعیین نموده عبارت است از:

### حق حضور در مجامع عمومی

بطوریکه ماده ۶۶ مقرر نمیدارد شرایط حق ورود در مجامع عمومی را از لحاظ داشتن تعداد معینی از سهام اساسنامه، شرکت تعیین میکنند.

بنابراین اگر راجع باین موضوع در اساسنامه ذکر نشده باشد هر دارنده سهمی حق حضور در مجامع عمومی شرکت را خواهد داشت و رأی او نیز باید جزء کل آراء احتساب شود مگر آنکه نسبت بحق رأی اساسنامه مقررات خاصی تعیین نموده باشد.

برای رأی جز در مواردی که اساسنامه مقررات خاصی تعیین نموده باشد هر دارنده سهمی در مجمع عمومی شرکت حاضر باشد و بطریق ذیل

اولاً نسبت برای عینی حق يك رأی .

ثانیاً نسبت برای مخفی بنسبت هر يك سهم حق يك رأی خواهد داشت .

طبق ماده ۶۸ نوع سهام چه معمولی چه ممتازه تأثیری در حق رأی دارندگان سهام ندارد مگر آنکه اساسنامه، شرکت طور دیگری مقرر کرده باشد و اغلب رخ میدهد که اساسنامه شرکت دارندگان سهام ممتازه را از حضور در مجامع عمومی و حق رأی محروم می دارد .

بطور کلی اساسنامه شرکت عده آرائی را که هر يك از شرکاء نسبت بعهده سهام خود دارند تعیین مینماید در اینصورت هر گاه دارندگان سهامی که عده سهام هر يك از آنها برای حضور یا رأی در مجمع عمومی کافی نباشد میتوانند با اندازه که مجموع عده سهام آنها برای داشتن حق حضور و رأی کافی باشد بایکدیگر متفق شده بکنفر را از میان خود برای حضور و رأی در مجمع مذکور معین نمایند ظاهراً فقط در مورد ماده ۶۹ که مفاد آن در فوق ذکر شد میتوان از این حق قانونی استفاده کرده و بدون وکالت در مجمع عمومی حاضر شده و رأی داد زیرا در سایر موارد حضور در مجامع عمومی و دادن رأی

۳- در مواردیکه منظور از تشکیل مجمع عمومی امتداد مدت شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد مقرر یا هر نوع تغییر دیگری در اساسنامه باشد از دارندگان سهام باید حاضر شوند که بیش از سه ربع سرمایه شرکت را دارا باشند .

در صورت عدم حضور عده مزبور مجمع جدیدی طبق دستور ماده ۴۵ دعوت و تشکیل میگردد و تصمیمات مجمع جدید که صاحبان لاقول نصف سرمایه شرکت در آن حاضر باشند قطعی است و اگر تشکیل ثانوی مجمع مزبور نیز عملی نشود با رعایت تشریفات مذکوره در ماده ۴۵ مجمع عمومی دیگری دعوت و حضور صاحبان لاقول نلت سرمایه شرکت برای قانونی بودن مجمع کافی خواهد بود .

تصمیمات در هر يك از سه مجمع فوق در موارد اخیر الذکر با اکثریت دو نلت آراء حاضر گرفته میشود و در مجامع مزبور کلیه صاحبان سهام مطلع نظر از شده سهام خود حق حضور داشته و بنسبت هر يك سهم خود رأی دارند و رأی این که اساسنامه برخلاف این مقرر داشته باشد .

### رئیس مجامع عمومی

گرچه در قانون تجارت طرز انتخاب و تعیین و وظایف و تکالیف و حدود اختیارات رئیس مجامع عمومی شرکت پیش بینی نشده ولی اغلب در اساسنامه شرکت مقررات خاصی راجع بمطالب فوق الذکر قید میگردد و هر گاه اساسنامه شرکت نیز در این موضوع ساکت باشد قاعده کلی آنست که در مجمع عمومی يك نفر رئیس برای حفظ انتظامات و اداره کردن آن مجمع انتخاب می نماید .

رئیس مزبور قاعداً اختیار دارد اشخاصی که باعث اتلاف وقت شده و خوارسته باشند بیش از حد معمول راجع بموضوعی مذاکره کنند جایگیری نماید ولی هر آینه رئیس ختم مجمع را محلاً و قبل از کافی بودن مذاکرات اعلام دارد میتوان رئیس دیگری بجای او انتخاب نمود .

### بطلان شرکت و بطلان اعمال و تصمیمات آن

برای آنکه شرکت سهامی قانوناً تشکیل شده و ایرادی به عملیات آن وارد نگردد، مؤسسين شرکت باید مقرراتی را که در مواد ۲۸-۲۹-۳۶-۳۸-۳۹-۴۱-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷ و ۵۰ قانون تجارت ذکر گردیده کاملاً رعایت نمایند زیرا هر شرکت سهامی که مقررات یکی از مواد مذکوره فوق را به موقع اجرا نگذارد، باشد از درجه اعتبار ساقط و بلا اثر خواهد بود و محکمه بقضای مدعی العموم بفضیله رسیدگی نموده و در صورت ثبوت ادعای مدعی العموم حکم بر بطلان شرکت و عملیات آن میدهد.

بطلان عملیاتی که در نتیجه عدم رعایت هر یک از مواد فوق الذکر انجام پذیرد تأثیری در مسئولیت شرکاء نسبت با اشخاص خارج نداشته و هیچگاه نمیتوان برای رفع مسئولیت بطلان مزبور استناد نمود. مسئولیت مزبور تضامنی است و ممکن است شامل حال بازرسان و مدیران شرکت که در حین حدوث موجبات بطلان انجام وظیفه نکرده و همچنین شرکائی که دارای سهام غیر نقدی می باشند بشود.

هرگاه محکمه بطلان شرکت حکم دهد عملیات شرکت نیز قهراً باطل و بلا اثر میشود بنا بر این نمیتوان شرکت را باجرااء تعهداتی که قبل از صدور حکم بر ذمه گرفته ملزم نمود و اشخاصی که نتیجتاً متضرر میشوند فقط میتوانند از مؤسسين و کسان دیگری که مسئولیت بطلان بر عهده آنها نیز میباشد تقاضای جبران خسارت نمایند و طبق ماده ۸۵ اگر از تاریخ رفع موجبات بطلان یکسان منقضی شده و اشخاص خارج از جهت معاملاتاتی که با ایشان شده است با استفاده مواردی که موجب بطلان بوده دعوی خسارت نکرده باشند دیگر دعوی مزبور از آنها پذیرفته نمیشود.

در موارد مشروحه ذیل دعوی ابطال در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

بنوان وکالت منوط بر این است که اساسنامه شرکت چنین امری را جایز دانسته باشد.

در صورتیکه اساسنامه شرکت با استفاده از مواد ۶۶ و ۶۷ مقررات خاصی برای حضور در مجامع عمومی و حق رأی شرکاء تعیین نموده باشد رعایت مقررات مزبور واجب است مگر در مواقعی که مجمع عمومی برای اجراء مدلول مواد ۴۱ و ۴۵ منعقد میگردد که در این صورت مقررات مذکوره در اساسنامه استثناء واجب الرأیه نبوده و کایه صاحبان سهام قطع نظر از عده سهامی که دارند میتوانند حضور بهم رسانیده و رأی دهند.

### ورقه حاضر و غایب و صورت جلسه

بطوریکه ماده ۷۵ مقرر میدارد در مجمع عمومی ورقه حاضر و غایب خواهد بود حاوی اسم - محل اقامت و عده سهام هر یک از شرکاء، ورقه مزبور پس از تصدیق هیئت رئیسه مجمع در مرکز شرکت حفظ و بهر کسی که تقاضا نماید ارائه میشود.

این نکته را نیز باید متذکر بود که همیشه صورت مجلسی از کایه مجمع عمومی با ذکر فرع آنها مطابق قانون معمولی یا سالیانه و یا فوق العاده تهیه و به تصدیق و امضاء رئیس مجلس رسیده و در دفتر مخصوص این کار بایگانی میگردد.

صورت مجلسی که باین نحو تهیه شده باشد سندیت داشته و ظاهراً حاکی از آن است که تصمیماتی که در آن قید شده صحیحاً انجام گرفته است مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

بطوریکه ذکر شد صورت مجلس مزبور نسبت بهر موضوعی که در آن قید شده ظاهراً سندیت دارد مگر نسبت به موضوع ذیل:

۱- تغییر تأیید شرکت.

۲- افزودن بر تعهدات دارندگان سهام.

موارد فوق را قانون از حدود اختیارات مجمع عمومی خارج نموده است.

۱ - هر گاه قبل از اقامه دعوی موجبات بطلان مرتفع شود (ماده ۸۴).

۲ - هر گاه مقرر شده باشد که مجمع عمومی مخصوصی برای رفع موجبات بطلان منعقد شود از تاریخ دعوت مجمع مزبور (ماده ۸۶).

۳ - هر گاه از تاریخ حدوث سبب بطلان شرکت ده سال گذشته و اقامه دعوی بطلان و خسارت نشده باشد (ماده ۸۷).

### انحلال شرکت سهامی

انحلال هر شرکت سهامی یا بامر محکمه است یا بتراضی و تصمیم دارندگان سهام که توسط مجمع عمومی انجام میشود بنابراین میتوان گفت که انحلال شرکت یا اجباری است و یا اختیاری.

انحلال اجباری در دو مورد حاصل میشود:

۱ - در موردی که مدیران شرکت طبق ماده ۵۸ عمل نکرده باشند که در این صورت هر ذیحقی می تواند ببا استناد بماده ۵۹ انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید:

۲ - در مورد ورشکستگی که طبق ماده ۴۱۲ در نتیجه توقف از تأدیبه و جوهری که بر عهده شرکت است حاصل میشود:

در موارد مفصله ذیل انحلال شرکت اختیاری است:

۱ - وقتی که شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده بوده انجام داده یا انجام آن غیر ممکن شده باشد.

۲ - وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

۳ - در صورت تصمیم مجمع عمومی.

در موارد انحلال اجباری محکمه مقدمه رسیدگی بماهیت قضیه نموده در صورت ثبوت و تحقق ادعا حکم به انحلال شرکت می دهد در این صورت شرکت از تاریخ صدور حکم منحل می گردد.

اگر باستناد ماده ۵۹ در نتیجه تقاضای شخص ذیحقی حکم بانحلال شرکت داده باشد غالباً تصفیه امور شرکت را بخود شرکت واگذار مینماید منتها با نظارت محکمه ولی هر گاه در نتیجه ورشکستگی حکم انحلال از طرف محکمه صادر شده باشد چنین ارفاقی بعمل نمی آید و تصفیه امور شرکت تابع مقررات ورشکستگی خواهد شد و مسلماً یک نفر عضو ناظر و مدیر تصفیه مستقیماً از طرف محکمه معین خواهد شد که رسیدگی بامور شرکت نموده دارائی شرکت را (در صورت وجود) بذویکه قانون مقرر داشته است بین طلبکاران تقسیم نماید.

در موارد انحلال اختیاری مقدمه مجمع عمومی برای رسیدگی و رأی باین موضوع طبق ماده ۷۴ تشکیل و اخذ تصمیم مینماید و در صورتیکه مجمع مزبور مطابق ماده فوق الذکر رأی بانحلال شرکت دهد شرکت از تاریخ تصمیم منحل و تصفیه امور آن طبق مقررات مربوطه به تصفیه امور شرکتها که در قانون تجارت مندرج است بعمل میاید.

امر تصفیه در شرکت های سهامی طبق ماده ۲۱۳ بعهده مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد در هر حال در مورد فوق محکمه چه بطور مستقیم و چه غیر مستقیم دخالتی در امر تصفیه نخواهد کرد مگر آنکه تصفیه طبق مقررات قانون بعمل نیامده باشد و اشخاص ذیحق برای احقاق حق خود بمحکمه مراجعه نمایند.

### شرکت با مسئولیت محدود

اغلب در مواردی که عده معدودی از اشخاص خواسته باشند مشترکاً وارد کارها و معاملات تجاری شده و ضمناً مسئولیت خود را محدود نموده و همچنین از مزایای شخصیت حقوقی استفاده کنند شرکتی با مسئولیت محدود تشکیل میدهند که نسبت بقروض و تعهدات آن فقط تا میزان سرمایه که در شرکت دارند مسئول باشند.